

زبان دوگانه نیما

به بهانه سالگرد درگذشت نیما یوشیج، پدر شعر نو فارسی

بان اشعار نو قدمایی نیما، به سبب آنکه تحت تأثیر زبان شعر کلاسیک فارسی و متکی بر سنت‌های ادبی این‌گونه اشعار بوده است، تا اندازه‌ای از تعقیدها و ناهمواری‌های اشعار آزاد او برکنار مانده است و همین سبب شده است که برخی او را در سرودن اشعار نو قدمایی تواناتر از اشعار آزاد تصور کنند، اما بعضی از آشنایان با شعر کلاسیک فارسی، که خود در زمینه سرودن آن‌گونه اشعار تجاربی داشته‌اند معتقدند که اشعار قدمایی نیما در حد و سطح نازل و فرودین است و اغلب به کار مبتدیان عادی می‌ماند.

کوششی که نیما برای دگرگون کردن تساوی ارکان عروضی مصراع‌ها و تغییر جایگاه منظم قافیه‌ها به کار برد، هدف بزرگتری نیز داشت و آن نزدیک کردن ساختار شعر به نثر بود. نیما گفته است: «شعری که امروز خواسته ماست همسایگی نزدیکی با نثر دارد. هر قدر در نثرنویسی ماهرتر شدید در نظم امروزی نیز ماهرتر خواهید بود.»

قصد نیما ظاهراً این بوده است که اندیشه شاعرانه بتواند به صورت طبیعی، یعنی آن‌گونه که در طبیعت زبان گفتار وجود دارد، بیان شود و موانع موجود در شعر روند طبیعی بیان آن را متوقف نکند. این کوشش نیما ظاهراً همان است که در مکتب سوررئالیسم از آن به نگارش خودکار تعبیر می‌شود. نیما در اشاره به روش کارش می‌گوید که برخی از موضوع‌های شاعرانه را ابتدا به نثر نوشته و سپس آن‌ها را موزون ساخته است.

نکته‌ای که نیما درباره شعرهای آزاد خود بر آن تأکید دارد ایجاد هارمونی میان اجزای یک شعر است تا آن را از پراکندگی به سوی کلیت و یکپارچگی و انسجام سوق دهد. انسجامی که به این ترتیب در شعر به وجود می‌آید باعث می‌شود که همه واژه‌ها و تصاویر شعر به هم می‌پیوندند. شعری که از ترکیب هماهنگی برخوردار باشد طبعاً آفریده کامل هنری است که نه می‌توان چیزی از آن کاست و نه چیزی بر آن افزود.

ویژگی دیگر شعر آزاد نیما وجود ابهام هنری در آن است که از دو عامل حاصل می‌شود: یکی گرایش به عین‌گرایی و تجسم بخشیدن به ذهنیت‌هاست که شعر او را در تقابل با ذهن‌گرایی شاعران گذشته می‌گذارد و چون در این شیوه نوعی قرابت نسبت به شعر قدما دیده می‌شود، طبعاً ابهام‌آفرین است و دیگری گرایش به آوردن نماد

وسمبل‌هایی است که جنبه عمومی ندارد و از ابداعات خود شاعر است و خواننده برای یافتن مفاهیم آنها نیازمند دقت و تأمل است. نیما معتقد است که نمادها شعر را عمیق‌تر می‌کند و آن را دامنه و اعتبار و عظمت می‌دهند. او اوج این ویژگی را در شعر حافظ می‌بیند که در نظر خواص عمق دارد و در نظر عوام ابهام و پیچیدگی. امتیاز دیگری که ابهام هنری برای شعر نیما داشته آن است که شعر او را از محدوده تک‌معنایی به گستره چندمعنایی سوق داده و بر جنبه تفسیرپذیری آن افزوده است. انسجام و ابهام و همچنین عینیت‌بخشیدن به ذهنیت‌ها و مجسم‌ساختن آنها، از اصول تکنیک شاعرانه نیما به‌شمار می‌رود که او از آنها به صنعت تعبیر می‌کند و گاهی کلمه تکنیک را به کار می‌برد و آن را از اسباب سازندگی شاعر می‌داند، اما هیچ‌گاه اصول این تکنیک را برای پیروان خود شرح نمی‌دهد. ظاهراً بی‌اعتنایی او به اطرافیان‌ش موجب شده تا او از بیان اصول کار خود حتی برای آیندگان خودداری کند و ظاهراً به همین سبب بوده است که پیروان نیما درباره اوزان نیمایی دچار ابهام و حتی اشتباه شده‌اند. در شعر آزاد نیما توجه به صنایع ادبی به حداقل ممکن کاهش می‌یابد. بنابراین آنچه در شعر او برای خواننده ایجاد التذاذ ادبی می‌کند، نه صنایع ادبی، بلکه حضور جلوه‌های ساده طبیعت در آن است. چیزی که برای آشنایان شعر کلاسیک فارسی در ابتدا غریب جلوه می‌کند، اما با آشنایی تدریجی با شعر آزاد نیما، این عناصر طبیعی می‌تواند لذت‌بخش‌تر از التذاذ حاصل از صنایع بدیعی معمول در شعر کلاسیک فارسی باشد.

طبیعت‌گرایی نیما آمیختگی خاص با زادگاه او یوش و حوالی آن دارد، تا جایی که علاوه بر توصیف مناظر طبیعی شمال ایران، برخی واژه‌های محلی نیز در شعر او راه یافته است و شماری از عناصر طبیعی نیز در آن جنبه نمادین به خود گرفته است. مضمون غالب اشعار نیما غم ناشی از رنج خود و دیگران است. حتی معتقد است که دگرگون‌کردن وزن و قافیه برای آن بوده است که با رنج او و دیگران سازگاری بهتری داشته باشد. آل‌احمد او را شاعر غم‌ها می‌نامد. غم‌های عمومی نیما از نگرش اجتماعی او سرچشمه می‌گیرد. با اینکه نیما در روزگار سربرآوردن احزاب گوناگون می‌زیست و سال‌های اوج خلاقیت او با فعالیت آن احزاب همزمان شده بود، اما او هیچ‌گاه با آن احزاب پیوندی نیافت و از اینکه او را منتسب به حزبی خاص می‌دانستند و شعر او را به گونه‌ای تفسیر می‌کردند که با اهداف آن حزب هماهنگی بیابد، احساس آزرده‌گی می‌کرد.

بدبینی ناشی از غم‌های اجتماعی نیما در برخی موارد جای خود را به امیدواری و خوشبینی می‌دهد. با اینکه انعکاس این موضوع در اشعار

او اندک است، اما در برخی شعرها از جمله سوی شهر خاموش انعکاس
این امیدواری به آینده را می‌توان دید.

یدالله جلالی پندری
استاد زبان و ادبیات فارسی دانشگاه یزد